

# گرایش به خصوصی سازی آموزش عالی در ایران و آموزش عالی خصوصی در جهان

نویسنده: دکتر حسین رحمان سرشت\*  
عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

معرفی مقاله:

مقایسه اطلاعات و آمارهای آموزش عالی در چندین کشور جهان نشان می‌دهد که بار آموزش عالی بیش از چهل درصد دانشجویان کشور ما به عهده بخش خصوصی است. اما بخش خصوصی در کشور ژاپن - که از نظر سرمایه گذاری بخش خصوصی در آموزش عالی بالاترین مقام را داراست - نیمی از سرمایه مصروفه برای آموزش عالی را به عهده دارد و تعداد دانشجویان آموزش عالی بخش خصوصی آن تنها کمی بیش از دانشجویان بخش خصوصی ما است. از این رو می‌توان ادعا کرد که صرف نظر از ژاپن نسبت دانشجویان بخش خصوصی به کل دانشجویان ما بیش از همین نسبت در دیگر کشورهای جهان است. اگر نخواهیم تعداد دانشجویان بخش خصوصی خود را با زهم افزایش دهیم و حفظ همین نسبت دانشجویان دولتی به کل را از نظر اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی به صلاح بدانیم، بودجه آموزش عالی کشور را در برنامه پنج‌ساله دوم باید افزایش چشمگیر بدهیم. هدف مقاله حاضر توجیه اجمالی این مقوله است.

---

\*- بدین وسیله از جناب آقای احمد داوری و سرکار خانم معصومه قارون اعضای محترم هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی برای پیشنهادهای اصلاحی ارزشمندشان، مجدداً از خانم قارون به دلیل زحماتشان برای تهیه جدولها و خانم‌ها محسنی و احدیانی برای تهیه نمودار و از دیگر همکاران مؤسسه به لحاظ کوشششان جهت تایپ و تکثیر این مقاله صمیمانه سپاسگزارم و از ایزد منان توفیقات روزافزونشان را خواستارم.

## مقدمه

رشد خصوصی سازی آموزش عالی در برخی از کشورهای جهان طی دو سه دهه گذشته قابل توجه بوده است. اما جالب این است که، بنابر شواهد موجود، کشورهایی که از گذشته دور خصوصی سازی آموزش عالی را آغاز کرده بودند، بتدریج به محدود ساختن آن گرایش یافته‌اند.

در توجیه محدود ساختن تدریجی خصوصی سازی آموزش عالی می‌توان دلایل چندی را برشمرد، از جمله اینکه (۱) در جریان خصوصی سازی، منابع خصوصی جایگزین منابع دولتی نشده است، بلکه بنابر ضرورت پاسخگویی به تقاضای زیاد در بعضی رشته‌ها، مؤسسات آموزش عالی خصوصی در کنار مؤسسات آموزش عالی دولتی تأسیس شده‌اند؛ (۲) تجربه نشان داده است که اگر دولت بر عملکرد این مؤسسات کنترلی اعمال نکند، کیفیت آنها به سطحی پایین‌تر از مؤسسات دولتی تنزل خواهد کرد؛ (۳) سرمایه‌گذاری دولت در تحقیقات دانشگاهی و آموزش عالی به جهت آنکه عامل توسعه جوامع به شمار آمده اجتناب ناپذیر قلمداد شده است. نتیجه آنکه، تشویق مؤسسات آموزش عالی به کسب درآمد از منابع غیردولتی به هر دلیل که باشد، به هیچ وجه نباید به معنای کاهش حمایت مستمر و اساسی دولت تلقی شود.

اما خصوصی سازی آموزش عالی در ایران، چنانکه خواهد آمد، با دو سوء تفاهم جدی همراه است: اول آنکه، تبلیغات به گونه‌ای است که گویی آموزش عالی از حیث خصوصی شدن هنوز در ابتدای راه است، حال آنکه بیش از ۴۰ درصد از دانشجویان کشور در مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی به تحصیل اشتغال دارند؛ دیگر اینکه، از خصوصی سازی وجه غالب آن یعنی انتقال کامل کار از دولت به بخش خصوصی مراد می‌شود. چون این دو سوء تفاهم را می‌توان مانعی جدی در توسعه پایدار آموزش عالی به شمار آورد، این مقاله به صورتی گذرا رفع آنها را هدف قرار می‌دهد.

محدوددیت‌های دولت برای استخدام‌های جدید و مشکلات آن حتی در استفاده از

نیروهای مستعدتر به جای نیروهای نه‌چندان کارآمد از یک سو<sup>۲</sup> و وجود بعضی ابهامها برای سرمایه‌گذاران در مورد سیاستهای اقتصادی دولت از سوی دیگر، دست به دست هم داده‌اند تا رکود بازارکار و یکی از موانع جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهها را به دنبال آورند. طبعاً "عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سوق یافتن دولت به جبران مافات در زمینه رفع نیازهای اساسی و همگانی از مواجه بودن دولت با ضرورت سرمایه‌گذاری در دیگر بخشها و روبرو بودن بامشکل سرمایه‌گذاری در زمینه خدمات عمومی حکایت دارد. بالا رفتن هزینه‌های بیمه و چاپ اوراق قرضه (مثلاً "برای دایر ساختن بیمارستانها) شاهدهی براین مدعاست.

در همین حال، گستره آموزش عالی با پدیده‌ای که به طور اعم و اخص در دهه اخیر بی سابقه می‌نماید مواجه بوده است. افزایش جمعیت<sup>۳</sup> و بروز تغییر در ارزشهای فردی و اجتماعی، اقبال به آموزش عالی را به طور فزاینده بالا برده است. آموزش عالی خصوصی در کنار دانشگاههای دولتی به جذب متقاضیان ورود به دانشگاهها پرداخته و این امر تا حدودی از بار دولت در تحمل هزینه‌های آموزش عالی رایگان کاسته است. برخی از مسئولان امر با مواجه شدن باین واقعیت که بیش از ۴۰ درصد از متقاضیان ورود به دانشگاهها با تقبل هزینه، وارد آموزش عالی غیررایگان شده‌اند به این فکر افتاده‌اند که همراه با اتخاذ سیاستهایی مانند سوق دادن دانشگاههای دولتی به سوی مقاطع بالاتر و افزایش کیفیتها از سرمایه‌گذاری در مقاطع کارشناسی به نفع مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری بکاهند.<sup>۴</sup>

هرچند ظاهراً "بودجه آموزش سالانه افزایش یافته است، بادر نظر گرفتن نرخ تورم<sup>۵</sup> که در جمع از نرخ افزایش بودجه کمتر نبوده، ضرورت میل به مقاطع بالاتر، افزایش کیفیت آموزش و بالا بردن کمیت و کیفیت تحقیقات، بودجه آموزش عالی در عمل افزایشی مؤثر نیافته است.

با اینکه تصمیم‌گیران برای سیاستگذاری در زمینه‌های مختلف از جمله آموزش عالی ابعاد مختلف و متعددی را در نظر می‌گیرند و به مطالب مذکور در این مقاله کوتاه بسنده نمی‌کنند، معذالک انتظار می‌رود نکات و نمودارهایی که متعاقباً ذکر می‌شود در تصمیم‌گیریها جایگاهی بیابد.

چنانکه در نمودار (شماره ۱) ملاحظه می‌شود قبلاً" نیز اشاره شد، جمهوری

اسلامی ایران در مقایسه با ۵۶ کشور در پنج قاره جهان و با توجه به اعتبارات بخش خصوصی آن کشورها و تعداد دانشجویان کشور ما، احتمالاً "بیشترین دانشجویان را (۴۸ درصد) در بخش خصوصی دارد بدون آنکه بخش خصوصی به اندازه بخش دولتی کشور برای پاسخگویی به این تعداد دانشجویان سرمایه‌گذاری کرده باشد. می‌دانیم هزینه‌های جانبی بسیاری از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های غیرانتفاعی و حتی، در بعضی موارد، مسئولان رده اول این دانشگاه‌ها (هزینه بورس، بازنشستگی، بیمه و نظایر آنها) به عهده دولت بوده است. این مسأله شاید از مواردی است که هزینه آموزش عالی بخش خصوصی و، در نتیجه، شهریه آنها را برای جذب دانشجویان جدید مناسب جلوه می‌دهد.

اما اگر بخواهیم به دلیل بالا بودن کیفیت آموزش عالی و پاسخگویی به افراد نابرودار جامعه نسبت حدود ۱ به ۱ دانشجویان دولتی به دانشجویان خصوصی را فقط در حد فعلی حفظ کنیم و سرانه متوسط دانشجویان رادرحد فعلی (۲/۹۱ میلیون ریال) به حساب آوریم، با توجه به نرخ رشد متقاضیان ورود به دانشگاه و نرخ تورم به بودجه‌ای معادل ۱۳۳۳۷ میلیارد ریال در سالهای برنامه دوم نیاز خواهیم داشت (جدول شماره ۱). حال اگر افزایش کمیّت و کیفیت تحقیقات دانشگاهی را برای استقلال و امنیت ملی ضروری بدانیم، در آن صورت به بودجه فوق باید افزایش چشمگیری ببخشیم.

اما اگر درآمدهای دولت را در طول برنامه دوم محدود به ۲۳۷۳۱۱ میلیارد ریال بدانیم و به تبع آن سرمایه‌گذاری لازم در زمینه آموزش عالی را برای دولت مقدور ندانیم، دادن استقلال بیشتر به دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی و دیگر مراکز آموزش عالی دولتی برای جذب منابع و صرف آنها از راههای کاملاً "مشروع" مثل دادن اجازه به آنها برای اخذ وجهی معقول از هر دانشجوی بعنوان هزینه ثبت نام برای استفاده جهت بهبود امکانات کتابخانه، خوابگاه، غذاخوری، ورزش و نظایر آنها - مقرون به صلاح خواهد بود. در واقع، این کاری است که آموزش عالی دولتی اکثر کشورهای جهان انجام می‌دهند. بدیهی است که اگر هرچه زودتر در زمینه مورد بحث در این نوشتار تصمیمی گرفته نشود، مانند مواردی که قرار بود رایگان یا ارزان شوند ولی نشدند، شاهد بسیارگران شدن یا خصوصی شدن در حد غیر قابل دسترس شدن آموزش عالی دولتی برای به اصطلاح اقشار آسیب پذیر، خواهیم بود.

جدول شماره ۱: اعتبارات جاری و عمرانی مورد نیاز بخش آموزش عالی با توجه به روند رشد دانشجویان بخش دولتی و غیردولتی

سال	جمعیت کل کشور (میلیون نفر) رشد ۲/۵ درصد	تعداد دانشجویان			اعتبارات سرانه (میلیون ریال) (بافزایش توزیع سالانه ۰/۲٪)	اعتبارات جاری و عمرانی (میلیون ریال)		اختلاف (میلیون ریال)
		۱ جمع	۲ غیردولتی	۳ دولتی		برنامه دوم	مورد نیاز	
۱۳۷۳	۶۰/۱	۹۰۹۴۷۶	۴۳۵۷۲۵	۴۷۲۷۵۱	۱۳۷۸۶۴۰	۱۳۷۸۶۴۰	۲/۹۱	
۱۳۷۴	۶۱/۶	۹۳۲۰۰۸	۴۴۷۳۶۴	۴۸۴۶۴۴	۱۶۹۱۴۰۷	۱۵۳۰۲۹۸	۳/۴۹	۱۶۱۱۰۹
۱۳۷۵	۶۲/۲	۹۵۶۲۱۶	۴۵۱۹۸۴	۴۹۷۲۳۲	۲۰۸۳۴۰۲	۱۶۷۸۸۰۰	۴/۱۹	۴۰۴۶۰۲
۱۳۷۶	۶۴/۷	۹۷۸۹۱۱	۴۶۹۸۷۷	۵۰۹۰۳۳	۲۵۶۰۴۳۶	۱۸۵۰۰۰۰	۵/۰۲	۷۱۰۴۳۶
۱۳۷۷	۶۶/۴	۱۰۰۴۶۳۲	۴۸۲۲۳۳	۵۲۲۴۰۹	۳۱۵۰۱۲۶	۲۰۹۱۰۰۰	۶/۰۳	۱۰۵۹۱۲۶
۱۳۷۸	۶۸/۰	۱۰۲۸۸۴۰	۴۹۳۸۴۳	۵۳۴۹۹۷	۳۸۵۱۹۷۸	۲۳۵۳۴۰۰	۷/۲	۱۴۹۸۵۷۸
		جمع						
					۲۸۳۳۸۵۱	۹۵۰۳۴۹۸		۲۸۳۳۸۵۱
					۳۸۳۴ =	۹۵۰۳ =		۳۸۳۴ =
					میلیارد ریال	میلیارد ریال		میلیارد ریال

(۱) جمعیت سال ۱۳۷۳ با توجه به آمار جمعیت در سال ۱۳۷۰ و اعمال رشد ۲/۵ درصد برآورد گردیده است.

(۲) براساس نسبت دانشجویان به صد هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۷۳ (= ۱۵۱۳ نفر)

(۳) با فرض ثبات سهم دولتی (و غیردولتی) در حد سال ۱۳۷۳ (سهم دولتی = ۵۲ درصد)

منبع: آمارگیری جاری جمعیت، ۱۳۷۰ و آمار آموزش عالی ایران، ۷۳-۱۳۷۲

دولتی  
 خصوصی

نمودار شماره ۱

سهم بخشهای دولتی و خصوصی در تأمین منابع مالی آموزش عالی در ۵۶ کشور جهان

کشور	درصد دولتی و خصوصی	کشور	درصد دولتی و خصوصی	کشور	درصد دولتی و خصوصی	کشور	درصد دولتی و خصوصی
آفریقای جنوبی		بلژیک		سوئد		کانادا	
آلمان		پاکستان		سوئیس		کابن	
اسپانیا		تانزانیا		سودان		گواندا	
استرالیا		تایلند		سوریه		لسوتو	
اکوادور		دانمارک		سومالی		لوکزامبورگ	
الجزایر		ژاپن		سیرالئون		لهستان	
انگلستان		ساحل عاج		عراق		لیبریا	
اروگوئه		سری لانکا		عربستان سعودی		لیبی	
ایالات متحده		سنگاپور		فنلاند		ماناگاسکار	
ایتالیا		سنگال		قطر		مالزی	

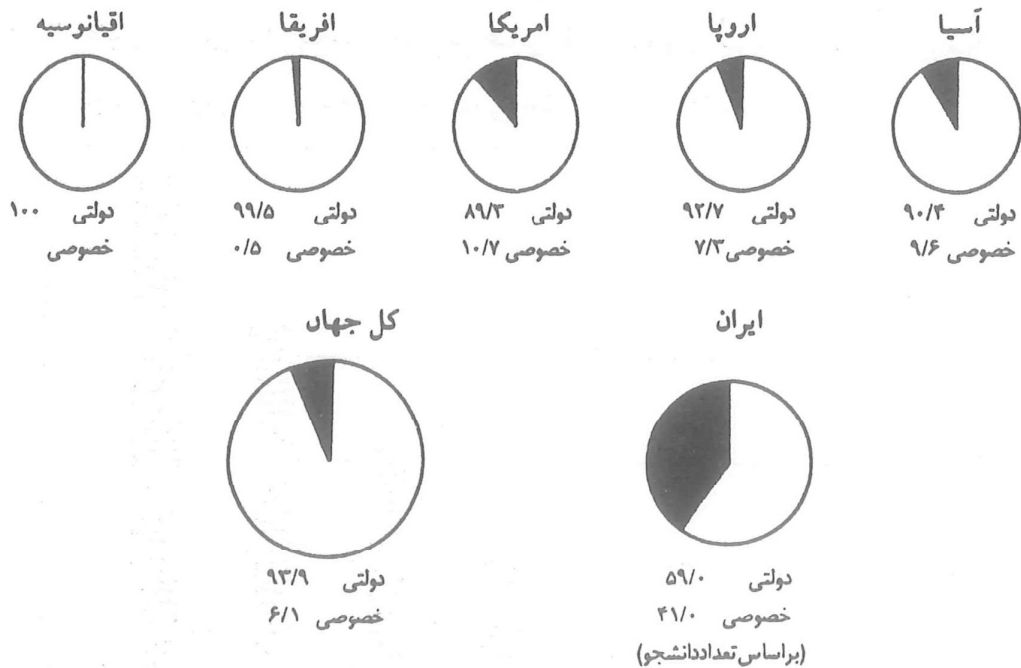


ادامه نمودار شماره ۱

سهم بخشهای دولتی و خصوصی در تأمین منابع مالی آموزش عالی در ۵۶ کشور جهان

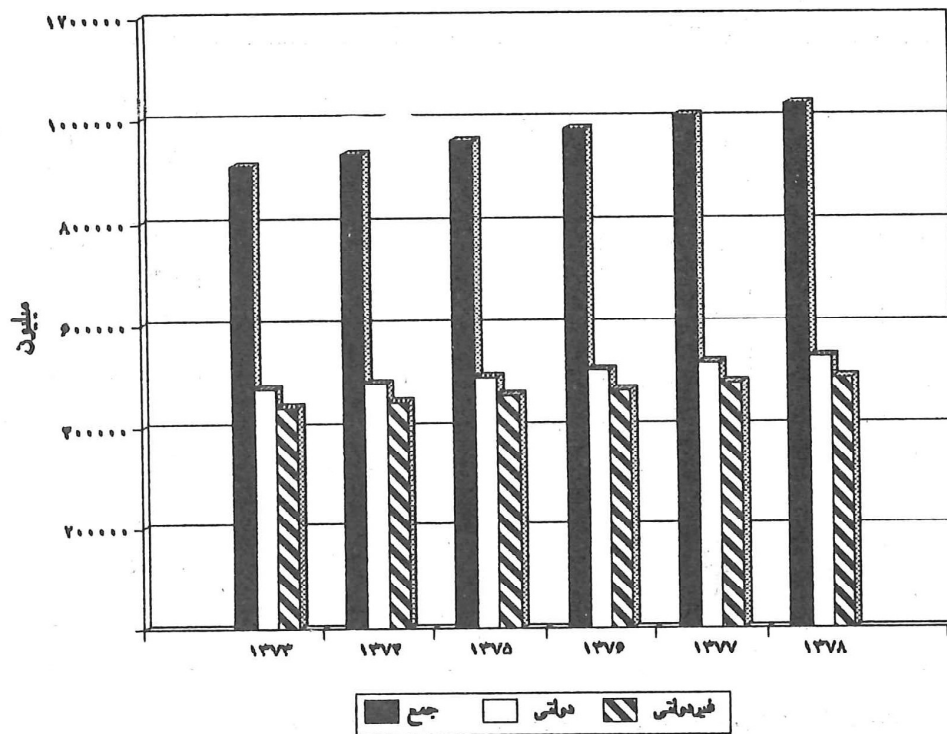
کشور	درصد دولتی و خصوصی	کشور	درصد دولتی و خصوصی	کشور	درصد دولتی و خصوصی	کشور	درصد دولتی و خصوصی
مالی		موریتانی		نیکاراگونه		هائیتی	
مجارستان		موریس		نیوزیلند		هلند	
مغولستان		موزامبیک		ونزوئلا		هند	
مکزیک		نروژ		ویتنام		هنگ کنگ	

متوسط سهم هریک از بخشهای خصوصی و دولتی در تأمین منابع مالی آموزش عالی در ۵۶ کشور جهان به تفکیک قاره

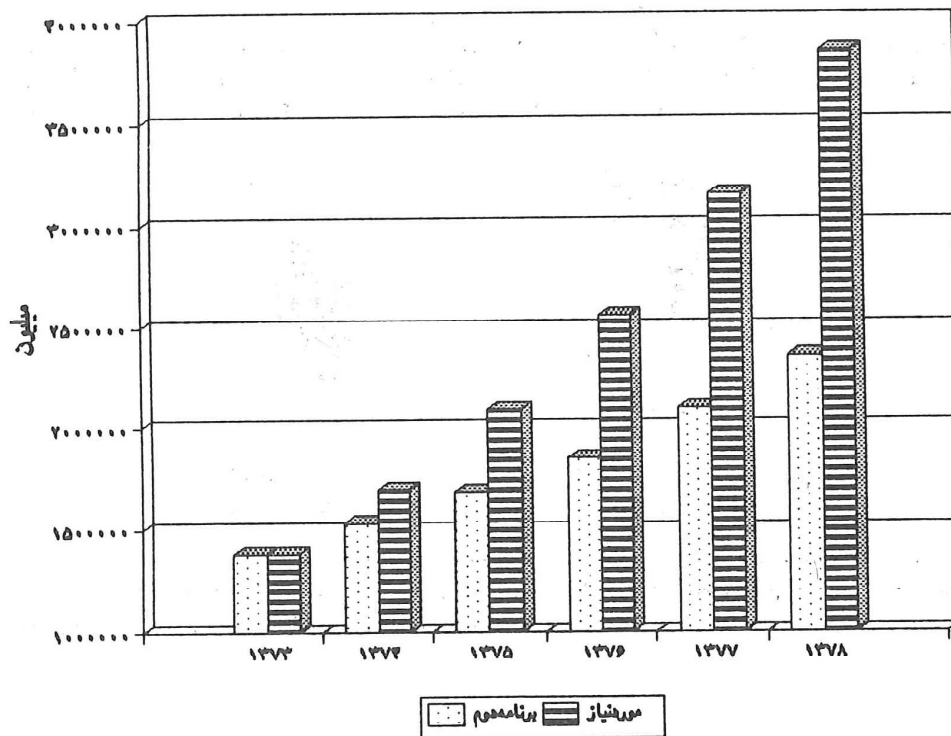


تهیه شده بر اساس مقاله: تجارب خصوصی سازی در آموزش عالی در جهان نوشته: مهدی شیرازی بهشتی، محصومه قارون وبامکاری یونان طراز فرد. آذر ۱۳۷۳. انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

نمودار ۲: تعداد دانشجویان کشور به تفکیک دولتی و غیردولتی طی سالهای برنامه دوم با فرض افزایش جمعیت بانرخ سالانه دو درصد و ثابت ماندن نسبت دانشجویان دولتی به غیردولتی



نمودار ۳: اعتبارات موردنیاز بخش آموزش عالی طی سالهای برنامه دوم در صورتیکه نسبت دانشجویان دولتی به خصوصی در حد فعلی حفظ و تورم سالانه ۲۰ درصد حساب شود.





## پی‌نوئیسها:

- ۱- ر.ک: مایکل تودارو. توسعه اقتصادی در جهان سوم. جلد اول، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه - مرکز مدارک اقتصادی اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۴. ترجمه غلامعلی فرجادی؛ صفحه ۴۲ کتاب "جهان روستا: آموزش و توسعه، نوشته لوئیس مالاکیس ترجمه اسدالله زمانی‌پور، مجتمع آموزش عالی بیرجند، ۱۳۶۷. و کتاب آموزش برای توسعه: تحلیلی از گزینشهای سرمایه‌گذاری "نوشته جرج ساخاروپولوس و مورین وودهال، ترجمه پریدخت وحیدی و حمید سهرابی سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۰. و سایر کتابهای اقتصاد توسعه و اقتصاد آموزش و پرورش
- ۲- ر.ک: به تبصره‌های ۴ و ۳۳ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۴.
- ۳- طبق سرشماری سال ۱۳۷۰، جمعیت کل کشور، ۵۶ میلیون نفر بوده است که نسبت به سال ۱۳۶۵ به طور متوسط سالانه ۲/۶ درصد رشد داشته است.
- ۴- در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بخش آموزش عالی، تداوم توسعه دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای و دوره‌های تحقیقاتی به منظور اصلاح هرم دانشجویی و اولویت به ایجاد فضاهای کالبدی و تجهیز آنها برای مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری از خط مشی‌های اساسی است و در هدفهای کمی بخش، تصریح شده است.
- ۵- طبق آخرین گزارش اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور در (ششماه اول) سال ۷۴ نسبت به سال ۷۳، ۵۰ درصد رشد داشته است.
- ۶- محاسبه شده براساس هزینه‌های جاری و عمرانی بخش آموزش عالی و تحقیقات و تعداد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در سال ۱۳۷۳